

# نمادپردازی درخت زندگی در متون اسلامی با رویکرد بینامتنی<sup>۱</sup>

الهام روحانی اصفهانی<sup>۲</sup>

---

1 برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر بهار مختاریان

2 کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اصفهان. Elham.rohani69@yahoo.com

## نمادپردازی درخت زندگی در متون اسلامی با رویکرد بینامتنی

چکیده:

در این مقاله به مقوله درخت زندگی در متون اسلامی با توجه به رویکرد بینامتنی ژرار ژنت پرداخته می‌شود. در این پژوهش برآنیم به بررسی و طبقه‌بندی ارتباطات، صفت‌های مشابه و کارکردهای درخت زندگی در منابع اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی بپردازیم. همچنین برقراری ارتباط از این ویژگی‌های مشابه با آثار هنری ایران با رویکرد بینانسان‌های از اهداف دیگر این پژوهش است.

در این راستا، با توجه به دیدگاه ژیلبر دوران از کهن‌الگو، نماد و اسطوره سعی می‌شود کهن‌الگوی درخت را در فرهنگ جهانی معرفی کنیم. شناسایی این کهن‌الگو از طریق نمادها و روایت‌های نمادین (اسطوره) امکان‌پذیر است. کهن‌الگوی درخت در پیوند با فرهنگ‌های مختلف از جمله اسلام، نمادپردازی‌های گوناگونی می‌یابد که به صورت روایت‌های نمادین در متون اسلامی قابل شناسایی‌اند. این نمادهای روایت‌دار در متون اسلامی با منابع اسطوره‌ای کهن در فرهنگ‌های دیگر نیز مشابه‌اند. هدف ما کشف این شباهت‌ها برای رسیدن به بازسازی شکل این کهن‌الگو در جهان است. لذا سعی می‌شود به این سوالات پاسخ دهیم که روایت‌های نمادین درخت زندگی در منابع کهن چیست؟ آیا روایت‌های نمادین کهن درخت زندگی در فرهنگ‌های گوناگون با روایت‌های نمادین آن در منابع اسلامی قابل انطباق است؟ نمادپردازی‌های متون نوشتاری با رویکرد بینانسان‌های در آثار هنری ایران چگونه قابل شناسایی است؟

این پژوهش می‌کوشد، نشان دهد داده‌های بدست آمده از مسائل یاد شده در روایت‌های نمادین مربوط به درخت زندگی در منابع اسلامی و منابع اسطوره‌ای فرهنگ‌های کهن شباهت بنیادینی دارند که با درک مفهوم کهن‌الگو قابل فهم است. کاربرد رویکرد و روش بینامتنی ژرار ژنت و ژیلبر دوران در تبیین و توضیح مفهوم کهن‌الگوی درخت در چنین گستره‌ای جمع‌بندی و تفسیر نمادپردازی‌های کلامی و تصویری را ممکن می‌سازد.

### کلیدواژه‌ها:

کهن‌الگو، درخت زندگی، متن، رویکرد بینامتنی.

### مقدمه:

یکی از کهن‌ترین و مکررترین نمادها در میان ساختارهای نمادین، درخت زندگی است. درخت زندگی ایده‌ی پیوند میان زمین و آسمان، کیهان و نماد جاودانگی است.

نمادپردازی درخت زندگی از همان آغاز در منابع نوشتاری برخی از فرهنگ‌ها دیده می‌شود و با پرند، مار، اسب و سایر عناصر هم‌نشین مرتبط می‌گردد. آنچه توجه ما را بیش از پیش به خود جلب می‌کند، تکرار کهن‌الگوی درخت زندگی در فرهنگ جهانی است. این پژوهش کهن‌الگوی درخت را با توجه به دیدگاه ژیلبر دوران از نماد و اسطوره، در فرهنگ جهانی معرفی می‌کند. دوران تلاش دارد تا نظامی نسبتاً کامل که شامل بازتاب، شم (قوه، نیرو یا محرکه)، کهن‌الگو (سرنمون) [1]، نماد [2] و اسطوره [3] است را معرفی کند.

بازتاب و شم واکنش‌های مشترک بین انسان و حیوان برای بقا و تنازع هستند. آنچه در این نظام بیشتر مدنظر است، تبدیل قوه یا شم به تصاویر در ذهن انسان است؛ تصاویری که جنبه‌ی انسانی، جهانی و سرمدی دارند. این تصاویر انسانی کهن‌الگو نامیده می‌شوند. کهن‌الگوها با شرایط فرهنگی تغییر نمی‌کنند درحالی‌که نمادها و اسطوره‌ها بیانگر دگرگونی‌های فرهنگی و زمانی - مکانی خواهند بود (نامور مطلق، 1392: 28). به بیان دیگر کهن‌الگوی فرهنگی شده، نماد است و

هنگامی که نماد دارای روایت شد به اسطوره (روایت‌های نمادین) تبدیل می‌شود؛ بنابراین اسطوره، تصویری فرهنگی شده و دارای یک روایت است (همان: 29 تا 31). از آنجا که کهن‌الگو (سرنمون) فاقد روایت فرهنگی است و تنها دارای تصویر (ایماژ) است، صرفاً از طریق شناخت نمادها و روایت‌های نمادین آن می‌توان این تصویر جهانی را بازسازی کرد. بنابراین سعی می‌شود در این پژوهش با بررسی شباهت‌های نمادها و روایت‌های نمادین درخت زندگی در اسطوره‌های کهن فرهنگ‌های گوناگون و متون اسلامی به مفهوم کهن‌الگوی درخت در جهان برسیم.

لذا در این مقاله با رویکرد بینامتنی و با تأکید بر نظریه‌ی ژرار ژنت که حضور عنصری مشترک بین دو متن را سبب برقراری رابطه‌ی بینامتنیت می‌داند، درخت زندگی را در منابع کهن فرهنگ‌های مختلف و متون اسلامی مورد بررسی قرار دهیم؛ سپس نشان می‌دهیم که مرجع روایت‌های نمادین درخت زندگی از متون اسلامی در منابع کهن قابل پیگیری است. شناسایی ارتباط این توصیفات نمادین درخت زندگی با برخی از آثار هنری ایران از اهداف دیگری است که به آن پرداخته می‌شود.

از نظر فرهنگی، به این دلیل که متون مورد مطالعه از فرهنگ‌های متفاوت برخاسته‌اند، بینامتنیت از نوع بینافرهنگی است و از آنجاییکه متن [4] اول به نظام زبانی و متن دوم به نظام تصویر تعلق دارد، روابط بینامتنی از گونه‌ی بینانشانه‌ای است؛ بنابراین سعی می‌شود بین متون زبانی پژوهش شده و تصاویر مرتبط پیوند قائل شویم. در نهایت یک رده‌بندی مفهومی از درخت زندگی بر اساس داده‌های مختلف از فرهنگ‌های گوناگون کهن و متون اسلامی [5] در جداول ارائه می‌گردند. از جمله مضامین مشترک درخت زندگی بین هر دو متن ذکر شده، می‌توان به جاودانگی، نجات‌بخشی، شفا، باروری و نعمت اشاره کرد. در نهایت کهن‌الگوی درخت در هر دو متن قابل شناسایی است؛ بنابراین بررسی اسطوره‌ها راه را در رسیدن به این کهن‌الگوی جهانی میسر نمود و مصادیق آن در آثار هنری ایران دوره اسلامی نیز حاکی از تکرار کهن‌الگوی درخت در تصاویر بدست آمده است.

از ضرورت‌های انجام این تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که در حوزه‌ی مطالعات تفسیر نمادها چنین پژوهشی صورت نگرفته است و اینگونه تحقیقات دید ما را نسبت به مطالعات فرهنگی و مطالعات آثار هنری گسترده‌تر می‌کند. برای نشان دادن بن‌مایه‌های مختلف که خود را در فرهنگ به نمایش درمی‌آورند نیاز به مستندسازی داده‌ها در حوزه‌های مختلف دین، ادبیات، هنر و... است. در این راستا با بررسی یک مورد نمونه‌ای کوشیده می‌شود با رویکرد بینامتنی نشان دهیم که چگونه نظام نمادین خود را در عمل نشان می‌دهد. این نوع رویکرد درک ما را نسبت به متن متفاوت می‌کند؛ خوانش تازه‌ای ایجاد می‌کند و سوای آن در شکل‌گیری نظریه‌های مختلف در حوزه‌ی زبان و دین راهگشاست.

### پیشینه تحقیق:

پژوهش‌های بسیاری در رابطه با نمادپردازی درخت زندگی انجام گرفته است. کتب و مقالات زیادی به اسطوره‌های درخت زندگی در فرهنگ‌های مختلف پرداخته‌اند. از سوی دیگر نمونه‌هایی از منظری که ما در این مقاله به آن پرداخته‌ایم، کار شده که به برخی آن‌ها اشاره می‌شود. با بررسی و جستجو در پایگاه‌های کتابخانه‌ای، اینترنتی و اطلاع‌رسانی موارد زیر یافته شده است:

- «Parpola, 1993» انطباقی از مدل درخت زندگی آشور بر مدل درخت سفیروت در کابالای یهودی به لحاظ اشتراک‌های خدایان بین‌النهرین، کارکردها و نقش‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

- نویسندگانی همچون الیاده، 1388، دوبوکور، 1387، لیک، 1389، الیاده، 1385، برن و دیگران، 1384، گریمال، 1373، شایگان، 1386، بیرلین، 1386، فرنو، 1384 و وارنر، 1386 در بخش اساطیر کهن کار کرده‌اند. مجموعه‌هایی از آیین‌های مرتبط با درخت، داستان‌ها و اسطوره‌های بین‌النهرین، یونان، هند و غیره در کتب ذکر شده، آورده شده است.

- کاظم پور، 1389 به معرفی و طبقه‌بندی نقش‌مایه درخت زندگی و نمادهای وابسته به آن در هنر ایران از دوره ایلامی تا دوره اسلامی می‌پردازد. در نهایت نمود نقش‌مایه درخت زندگی را در فرش ایرانی با روش توصیفی - تطبیقی بررسی می‌نماید. - رستمی، 1389 به بررسی نماد درخت و پرند در ارتباط با اسطوره‌ها و باورهای فرهنگی، به طور تطبیقی می‌پردازد. و در پایان به تفسیری از نماد گل و مرغ در فرهنگ ایران دوره اسلامی می‌پردازد. در حالی که این پژوهش به گردآوری داده‌ها و طبقه‌بندی مفاهیم درخت زندگی در اسطوره‌های کهن و متون اسلامی می‌پردازد و ارتباط آن‌ها را با برخی از تصاویر آثار هنری ایران نشان می‌دهد.

### روش پژوهش:

روش تحقیق از نظر هدف بنیادی و با رویکرد بینامتنی است. بر پایه‌ی اصل اساسی بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه‌ی متن‌های گذشته بنا می‌شوند. بینامتنیت همواره روابط میان دو متن را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش بر اساس دیدگاه ژرار ژنت به مطالعه می‌پردازد. او دیدگاه خود را با طرح ترامتنیت بیان می‌دارد. او به پنج نوع رابطه‌ی ترامتنی قائل است: بینامتنیت، پیرامتنیت، فرامتنیت، سرمتنیت و بیش‌متنیت. از این میان، بینامتنیت و بیش‌متنیت به رابطه‌ی میان دو متن هنری می‌پردازند. از نظر ژرار ژنت بینامتنیت به رابطه‌ی هم‌حضور و هم‌وجودی می‌پردازد و معتقد است هرگاه عنصری در دو متن وجود داشته باشد، موجب برقراری رابطه بینامتنیت می‌شود؛ یعنی حضور عنصری مشترک میان دو یا چندین متن سبب می‌گردد تا مطالعه‌ی این متن در حوزه‌ی بینامتنیت صورت پذیرد (نامور مطلق، 1390: 98). این رساله سعی دارد با چنین رویکردی درخت زندگی را به‌عنوان عنصری مشترک در منابع کهن و سپس در متون اسلامی مورد بررسی قرار دهد.

### نمادپردازی‌های درخت زندگی در روایت‌های اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی:

شواهد بسیاری در متون فرهنگ‌های مختلف جهان با موضوع درخت زندگی وجود دارد. این شواهد را به یکسری صفت و کارکرد درخت زندگی طبقه‌بندی می‌کنیم؛ سپس به ارتباط و طبقه‌بندی این صفات و کارکردها در منابع متون اسلامی می‌پردازیم.

در اساطیر و افسانه‌های مربوط به درخت زندگی، غالباً به این تصور مکنون و ضمنی برخوردیم که (می‌گوید) درخت زندگی در مرکز عالم واقع است و آسمان و زمین و جهان زیرین (دوزخ) را به هم می‌پیوندد (الیاده، 1385: 285). درخت یا ستونی مرکزی که نگهدار جهان است و عمر جاودان می‌دهد. درخت در مناطق دست نیافتنی واقع است و موجودات عجیب الخلقه از آن نگرهبانی و پاسداری می‌کنند (همان: 355 و 356).

در بین‌النهرین، «درخت زندگی» ترکیبی از رستنی‌های گوناگونی است که به علت طول عمر و زیبایی و سودمندیشان مقدس شمرده می‌شوند، از قبیل: درختِ سدر که چوبش گرانبه‌است، نخل که خرما می‌دهد، تاک بن با بار خوشه‌های انگور و درخت انار، رمز باروری که میوه‌اش آبستن صدها دانه است (دوبوکور، 1387: 13). در شمایل نگاری بین‌النهرین، معمولاً بزسانان و ستارگان و پرندگان و ماران، درخت را در میان گرفته‌اند (الیاده، 1385: 265).

درخت کاج سیاه در بهشت بابل هم دارای ویژگی‌های زندگی‌بخش و هم دارای ویژگی‌هایی است که از آن به عنوان درخت کیهانی یاد می‌شود. نیروی حیات‌بخش این درخت از آب حیات گرفته شده و در درخت جذب گردیده و از آن سرچشمه می‌گیرد (James, 1966, 13). یک شخصیت الهی که یک شاخه، یک گیاه یا یک ساقه دانه (گیاه) در دست دارد، به کرات در مهرهای بابلی دیده می‌شود که گاه شامل یک تنه‌ی درخت، یک نقطه بر روی هر طرف آن می‌باشد که شاید نشان دهنده‌ی میوه‌ی درخت زندگی باشد (همان: 98). ارتباط درخت و شاه در آشور دیده می‌شود. درخت زندگی یکی از نمادهای تندرستی و سعادت شهریار و فراهم‌شدن سعادت اجتماعی توسط شاه بود. در این منطقه شاه نماینده‌ی خدا و از طریق او بود که رفاه و فراوانی نعمت حاصل می‌شد. پیوند شهریار و درخت زندگی و باروری، در ارتباط با خدایانوی باروری، در نقش برجسته‌ای از آشور (عکس 1) که شاه را در حال بارور کردن درخت زندگی است، نشان می‌دهد (گری، 1378: 103 و 104).



عکس 1، شهریار آشور، آشوربانیپال دوم، سده 9 ق.م (گری، 1378: 102)

داستان سومری گیل‌گمش جستجوی جاودانگی او را با گیاهی بیان می‌دارد (فرنو، 1384: 350). ولی وقتی گیل‌گمش از چشمه‌ای آب می‌نوشید، ماری آن گیاه را از او دزدید (گریمال، 1381: 42). داستان سومری گیل‌گمش بر فانی بودن انسان و از سویی به دنبال زندگی جاودان را نشان می‌دهد. در واقع آدمی از نخستین ادوار حیات فرهنگی خود همواره در جست و جوی جاودانگی بوده و معمولاً این امر با گیاهی در ارتباط است. درخت زندگی در مصر به صورت نمادین شکل درخت سیکامو یا نخل خرما را به خود گرفت. گفته می‌شود اگر کسی از آب زندگی بنوشد و از میوه‌ی این درخت بخورد، عمر جاودان خواهد یافت (شپرد، 1393: 240).

ردپای چنین توصیفاتی در متون اسلامی هم دیده می‌شود. قرآن در سوره بقره داستان هبوط آدم و حوا را بیان می‌دارد. خداوند می‌فرماید: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»<sup>3</sup> فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَفَلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ»<sup>4</sup> «ای آدم تو با جفت خود در بهشت رایگان و بی‌زحمت جای گزینید و بخورید از اطعمه بهشت از هر چه می‌خواهید و نزدیک نشوید به این درخت که از جمله ستمکاران خواهید بود پس شیطان آدم و حوا را به لغزش افکند و خوردند از آن درخت و بدین عصیان هر دو را از آن بهشت پرنعمت بیرون کرد و گفتیم (به آدم و حوا) فرود آید از بهشت که برخی را دشمنید و شمارا در زمین آرامگاه و آسایش خواهد بود تا روز مرگ». در کتاب آفرینش (فصل اول «پیدایی جهان و انسان») نیز آمده است که خداوند در باغ عدن یا بهشت روی زمین، در میان «همه گونه درخت خوش‌نما»، دو درخت «بهشتی»

3 آیه 35

4 آیه 36

(درخت حیات و درخت دانستن نیک و بد) از زمین رویانید. آدم و حوا به اغوای مار و بهرغم منع و نهی پروردگار، از «درخت زندگی» روی برتافته از میوه‌های درخت دوسوگرای «معرف خیر و شر» خوردند و یهوه آنان را از بهشت راند و گفت: «اینک آدم: نظر به دانستن نیک و بد، چون یک‌تن از ما شده است. پس حال مبادا که دست دراز کرده، هم از درخت زندگی میوه چیده بخورد و تا ابد زنده ماند» (سفر تکوین، فصل 3، آیه 22) (دوبوکور، 1387: 13).

در سوره طه آیه 120 آمده است: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى». بدین معنی که وقتی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟» در رابطه با «درخت طوبی» در سوره رعد آیه 29 آمده است: «طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ» خوشا به حال آنان و بازگشت خوبی دارند و درخت طوبی درختی است در بهشت که ریشه‌اش در خانه رسول خدا صلی‌الله‌علیه و اله و در خانه هر یک از مؤمنین و اهل بهشت شاخه‌ای از آن وجود دارد که هر چه مؤمن نیت او را نماید و هر رقم خواسته‌ای که داشته باشد خداوند از همان شاخه به او می‌دهد و این درخت به قدری بزرگ است که فرضاً اگر اسب‌سواری با سرعت هر چه بیشتر اسبش را براند و تا مدت یک‌صد سال برود از سایه این درخت بیرون نمی‌رود و اگر پرنده‌ای از پائین این درخت شروع به پرواز نماید به نقطه بالای آن نمی‌رسد گر چه به پیری برسد شمارا هشدار می‌دهد که برای رسیدن به چنین جایی همت گمارید. مؤمن باید مسئولیت‌هایی که خود دارد می‌پردازد و مردم هم از طرف او در راحت و آسایش هستند. هنگامی که تاریکی شب فرامی‌رسد صورت خود را بر زمین نهاده و با اعضاء ارزشمند بدن خود را به حالت سجده درآمده و باخدای خویش مناجات و درخواست‌هایی از آتش دوزخ می‌نماید شما هم این چنین باشید (مجلسی، 1364، جلد 67: 289).

آورده شده است که: «و بر در بهشت، درختی است که در زیر سایه یک برگ آن درخت، هزار کس جا می‌گیرند و در طرف راست آن درخت، چشمه پاکیزه و پاک‌کننده است و هرکدام، از آن چشمه جامی می‌خورند و خدای تعالی، به آن شربت، آب دل‌های ایشان را از حسد، پاک می‌کند و مویی که در بدن ایشان است، فرومی‌ریزد و این، معنی قول خدای تعالی است که فرموده: «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»<sup>5</sup> یعنی: به خورد ایشان می‌دهد پروردگار ایشان، آشامیدنی پاک‌کننده. پس فرمود که: شراب طهور از این چشمه پاکیزه، سازنده است؛ و بعد از آن، متوجه چشمه دیگر می‌شوند که در طرف چپ آن درخت، واقع شده

و در آن چشمه، غسل می‌کنند و آن چشمه، چشمه زندگانی است و کسانی که در آن چشمه غسل می‌کنند، دیگر هرگز نمی‌میرند» (گلستانه، 1387: 308).

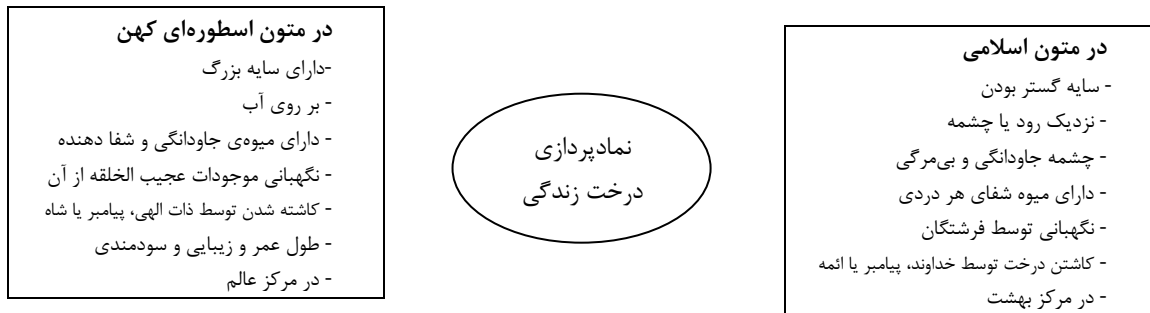
با دقت در این متن می‌توان مفاهیمی همچون جاودانگی، نجات‌بخشی، شفا و نعمت بخشی را ملاحظه نمود؛ اگرچه ممکن است در ظاهر قضیه دیده نشود. در نمونه‌ای دیگر امام صادق (ع) فرمود: «بر شما باد هلیله سیاه که آن از درخت بهشتی است طعم آن تلخ است ولی در آن شفای هر دردی است» (مستغفری، 1381: 44). مفهوم شفا در درختی بهشتی دیده می‌شود. در روایتی دیگر امام حسن مجتبی (ع) از پیامبر (ص) روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «در بهشت درختی است که به آن درخت ابتلا می‌گویند و آن در روز قیامت به اهل بلا و مصیبت داده می‌شود و هیچ‌گونه محکمه و میزانی جهت بررسی اعمال آن‌ها تشکیل نمی‌شود و مانند باران بر آن‌ها ثواب و پاداش فرومی‌ریزند (همان‌گونه که در دنیا مانند باران بر ایشان بلا ریخته

5 سوره انسان، آیه 21.

6 «و آن چشمه، چشمه زندگانی است و کسانی که در آن چشمه، غسل می‌کنند.»

می‌شد)». آنگاه امام حسن مجتبی علیه السلام این آیه را خواند: «إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»<sup>7</sup> (شهید ثانی، 1380: 107).

در این روایت با مفهوم بخشودگی نعمت روبرو هستیم. ویژگی‌های مشترک درخت زندگی در متون اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی در شکل 1 نشان داده شده است.



شکل 1، نماد پردازی درخت زندگی (نگارنده)

با توجه به آنچه به طور خلاصه در جداول 1 تا 5 آورده شده است، مفاهیم مختلفی از درختان و میوه‌های اعجاز‌آمیز آن وجود دارد؛ مفاهیمی همچون بی‌مرگی، جاودانگی، شفا دهنده‌ی دردها، باروری و نعمت، هدایت یا نجات‌بخشی و غیره. درختی که در مرکز جهان یا بهشت قرار دارد و تنها برگزیدگان می‌توانند از میوه‌های آن بخورند. درخت در هر دو متن مورد مطالعه (اسطوره‌های کهن و متون اسلامی)، بارور و دارای نعمت‌هایی است که توسط شاه یا خداوند بر آن نهاده شده است. درخت زندگی در متون اسطوره‌ای کهن اکثراً توسط شاه یا ایزدی<sup>8</sup> کاشته می‌شود. همین ویژگی در متون اسلامی هم دیده می‌شود که درخت توسط خداوند، پیامبر یا ائمه کاشته می‌شود. بر این اساس جداول زیر در حد مطالعات انجام گرفته، ویژگی‌های درخت زندگی را در متون اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی نشان می‌دهد.

جدول 1، طبقه‌بندی موضوعی درخت زندگی در متون اسطوره‌ای کهن.

نمادپردازی درخت زندگی	نجات‌بخشی یا شفا	جاودانگی	نگهبانی	باروری
ایران	✓			
بین‌النهرین	✓	✓		
بابل		✓	✓	
سومر		✓	✓	
آشور			✓	(درخت-شاه)

7 سوره زمر آیه 10

8 برای مثال درخت زندگی در آشور توسط شاه و در یونان توسط ایزد کاشته می‌شود.

		✓		روم
✓		✓	✓	مصر
✓		✓	✓	یونان
	✓			فنیقی
			(درمان درد)	هند

(نگارنده)

جدول 2، طبقه بندی موضوعی درخت زندگی با توجه به داده‌های متون اسلامی.

بازنمودهای درخت زندگی (درختان بهشتی)	جاودانگی	نجات بخشی ، شفا، نعمت بخشی
کلینی ، 1364 ، 137 تا 139	✓	✓
آقا جمال خوانساری ، 1366 ، ج 3 : 30	✓	✓
مستغفری ، 1381 : 44		(شفا)
شهید ثانی ، 1380 : 107		(بخشودگی نعمت)
مجلسی ، 1351 : 44		✓
گلستانه ، 1387 : 308	✓	✓
ابن بابویه ، 1381 : 37		✓
ابن بابویه ، 1380 : 831	✓	
مجلسی ، 1351 ، ج 1 : 264	✓	✓
حسکانی ، 1381 : 372	✓	✓
مجلسی ، ج 50 ، 1364 : 137 تا 139		✓
مجلسی ، 1380 : 110		✓
مجلسی ، 1379 : 53	✓	
شریف الرضی ، 1388 : 24	✓	
ابن بابویه ، 1380 : 531 تا 534		(مژدگانی نبوت بوداسف)

(نگارنده)

باروری و نعمت	نثار	شفا یا نجات بخشی	جاودانگی	باز نمود های درخت زندگی ( درخت طوبی )
---------------	------	------------------	----------	--



		✓	✓	مجلسی ، 1364 ، ج 64 : 289
(توسط خداوند)		✓	✓	مجلسی ، 1372 : 132
(کاشتن درخت توسط خداوند)		✓	✓	شیخ حر عاملی ، 1380 : 229
		✓	✓	مجلسی ، 1355 : 104 تا 108
	(نثار رقعہ آزادی از آتش)		✓	اربلی ، 1382 ، ج 1 : 123
	(نثار در و یاقوت و مرجان)	✓		فتال نیشابوری ، 1363 : 244
		✓		مجلسی ، 1379 ، ج 43 : 277
	(نثار مروارید و مرجان)	✓		مجلسی ، 1372 ، ج 8 : 528

جدول 3، طبقه بندی موضوعی درخت زندگی (درخت طوبی) با توجه به داده‌های متون اسلامی.

(نگارنده)

جدول 4، طبقه بندی موضوعی درخت زندگی (سدره المنتهی) با توجه به داده‌های متون اسلامی.

باز نمود های درخت زندگی (سدره المنتهی)	انتهای آسمان	باروری و نعمت	گواهی
مجلسی ، 1351 ، ج 54 : 49	(مشاهده خداوند با دیده دل توسط پیامبر)		
مجلسی ، 1364 ، ج 67 : 143		✓	
مجلسی ، 1379 ، ج 43 : 433			✓

(نگارنده)

جدول 5، طبقه بندی موضوعی درخت زندگی (زیتون) با توجه به داده‌های متون اسلامی.

باز نمود های درخت زندگی (درخت زیتون)	جاودانگی	اعتدال	هدایت یا نجات بخشی
علامه حلی ، 1379 : 219		✓	✓
کلینی ، 1375 ، ج 2 : 719		✓	✓
مجلسی ، 1363 ، ج 23 : 180		✓	✓
مجلسی ، 1363 ، ج 23 : 192	✓		

(نگارنده)

بنابراین با توجه به طبقه‌بندی صورت گرفته در جداول، با یکسری مفاهیم جهانی در رابطه با درخت روبرو هستیم که خود را به صورت نمادین در فرهنگ‌های مختلف نشان می‌دهد.

بازنمایی این مفاهیم در نگارگری‌های دوره اسلامی هم قابل مشاهده است. ژنت این نوع رویکرد را بینانسان‌های می‌خواند. در واقع چنانچه متن اول به‌نظام زبانی و متن دوم به‌نظام تصویر تعلق داشته باشد، روابط بینامتنی از گونه‌ی بینانسان‌های خواهد بود. «بینامتنیت بینانسان‌های امکان مطالعه‌ی روابط متن‌هایی از نظام‌های گوناگون نشان‌های را فراهم می‌کند» (نامور مطلق، 1390: 318).

برای نمونه نگاره‌هایی از معراج پیامبر دقیقاً درختان بهشتی را با توصیفات مربوط به آن نشان می‌دهد. آنچه در این تصاویر دیده می‌شود، با روایت‌های متون اسلامی منطبق است. این نگاره‌ها مربوط به مکتب هرات و سده نهم است (عکس‌های 2 تا 4). در این تصاویر می‌توان شاهد درخت، نگهبانان درخت به صورت فرشته، آب و پرنده، درخت با تنه و شاخه‌هایی از زمرد و مروارید بود و اینها دقیقاً همان عناصری هستند که در توصیف درخت زندگی در متون اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی دیده می‌شود.



عکس 2، در پای درختی با شاخه‌های زمرد، سده 9. (رزسگای، 1385: 92)



عکس 4، معراج‌نامه، سرگرمی‌های حوریان، سده 9. (همان: 119)



عکس 3، پیامبر و گروهی از حوریان بهشتی گرداگرد درخت، سده 9. (همان: 116)

در عکس 2 درختی که تنه و شاخه‌هایی از زمرد و مروارید دارد، دیده می‌شود. از پای درخت چهار رود جاری شده است. این تصویر یادآور یکی از ویژگی‌های درخت زندگی در اسطوره‌های کهن است که معمولاً درخت را در کنار چشمه‌ای توصیف می‌کند. این درخت بنا به روایاتی که در متون اسلامی آورده شده، در شب ازدواج حضرت علی (ع) و فاطمه (ص) در و یاقوت و مرجان نثار می‌کند؛ بنابراین می‌تواند یادآور درخت طوبی باشد.

برخی از توصیفات بدست آمده از درخت زندگی اشاره به منشأ گیاهی نسل انسان دارد. این ویژگی هم در اسطوره‌های کهن و هم در متون اسلامی قابل رؤیت است. که در این قسمت به آن پرداخته می‌شود. درون‌مایه بسیاری از اسطوره‌ها، آفرینش جهان و خاستگاه انسان است. این درون‌مایه را در میان اقوام بدوی اغلب سرزمین‌ها می‌توان یافت و ردپای آن‌ها را در روزگاری بسیار کهن می‌توان جست‌وجو کرد (وارنر 1386: 22). آنچه پیش از هر چیز مورد توجه ماست، مدار حیاتی موجود میان این دو سطح نباتی و انسانی است. اینکه نژادی و نسلی از جنس نوعی گیاه است، بر این پیش‌فرض مبتنی است که سرچشمه زندگی در آن گیاه می‌جوشد؛ و بنابراین نوع حیات انسان، بالقوه، به‌صورت جرثومه، تخم، آب پشت در آن گیاه وجود دارد (الیاده، 1385: 288). در اسطوره‌ها به‌کرات با درخت روبه‌رو می‌شویم. از دیدگاه اسکاندیناوی‌ها، سوها، الگانکین‌ها و ایرانیان، از درخت است که انسان زاده می‌شود (بیرلین، 1386: 118). انسان خود را خلف نیایی می‌داند که از درختی زاده شده است (الیاده، 1385: 268). جدول 6 اسطوره‌های اقوام مختلف در این رابطه را بیان می‌دارد.

همین امر در متون اسلامی هم دیده می‌شود. برای نمونه آیه «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»<sup>9</sup> اشاره به همین موضوع دارد. رسول الله صلی الله علیه و آله در توضیح و تفسیر این آیه فرمود: «انا شجرة و فاطمة فرعها و علی لقاحها و حسن و حسین ثمرها و محبوهن من امتی ورقها، هم فی جنۃ عدن و الذی بعثنی بالحق». یعنی من درخت و شجره در این آیه شریفه هستیم. فاطمه فرع آن شجره است؛ و علی لقاح و بارور کننده درخت است. حسن و حسین علیهما السلام میوه‌های آن هستند، محبان و شیعیان ما برگ‌های سبز این درخت هستند، سوگند به خدایی که مرا مبعوث کرد شیعیان ما در بهشت رضوان مأوا خواهند گرفت (حسکانی، 1380: 158).

آنچه بیش از هر چیز مورد توجه ماست، رابطه‌ی بین دو سطح گیاهی و انسانی است. در روایات مختلف قصه‌ی رومانیایی «سه دانه انار»، قدیسی به پدر یا مادری سیبی می‌دهد و وی با خوردنش، فرزندی به وجود می‌آورد (الیاده، 1385: 290). در روایات اسلامی نطفه حضرت فاطمه (ص) پس از خوردن میوه از درخت بهشتی تشکیل می‌شود (مجلسی، 1379: 123). جدول 7 نمونه‌هایی از متون اسلامی که به گونه‌ای اشاره به منشأ گیاهی انسان را دارند، نشان می‌دهد. این درخت مفاهیمی همچون جاودانگی، بشارت نبوت و نسل گیاهی انسان را نشان می‌دهد.

جدول 6 طبقه‌بندی درخت به عنوان منشأ گیاهی انسان در اسطوره‌های کهن.

بارداری با خوردن سیب یا برگ بوته‌ی گل سرخ.	رومانی
پدید آمدن نژاد بشر از تخم کدو و نبات به عنوان سرچشمه حیات.	چین
- به دنیا آمدن 60 هزار کودک از کدویی که سوماتی زاید. - زاده شدن دو قلوهای کریپ و کراپا از پشته‌ی نی. - به دنیا آمدن پسر بچه‌ای از درخت موز.	هند
- برآمدن انسان‌ها از بذر درخت زبان‌گنجشک یا بلوط. - زایش آدونیس و آتیس از درخت.	یونان
زاده شدن آتوم و نون از لوتوس	مصر
خوابی که یشی پدر حضرت داود، از روییدن درخت بر پهلویش دید.	تورات
جایگاه روح کودکان در درختان و انتقال آن از ناف به شکم مادر و زاده شدن انسان از درخت ابریشم.	استرالیا
آفریدن مرد از درخت زبان‌گنجشک و آفریدن زن از درخت نارون توسط اودین و برپا نگهداشتن کائنات به وسیله درخت زبان‌گنجشک به نام یگدرازیل.	اسکاندیناوی
- به وجود آمدن نخستین زوج انسانی از گیاه ریواس - روییدن تاک بر شکم مادر کوروش در خواب.	ایران
از تجزیه‌ی تاک، انبوهی لارو پدید آمد و به زن و مرد مبدل گشت.	تونگا و ساموآ
فراز آمدن انسان از درختی آیینی.	سرخیوستان آمریکا

(نگارنده)

جدول 7، طبقه بندی موضوعی درخت زندگی به عنوان شجره و منشأ گیاهی انسان (شجره طیبه) با توجه به داده‌های متون اسلامی.

بازنمودهای درخت به عنوان منشأ گیاهی	جاودانگی	بشارت نبوت	شجره یا منشأ گیاهی انسان
حسکانی ، 1380: 157 و 158			✓
طبرسی ، 1371: ج 3 : 59	✓		✓
حسکانی : 1380: 149			✓
شریف الرضی ، 1388 : 95			✓
مجلسی ، 1355 : 382		(گماردن امام)	✓
شریف الرضی ، 1379 : 639	✓		(تشبیه ستون دین به درخت)
شیخ حر عاملی، 1380: 228	✓		✓
مجلسی ، 1379 : 53			(تشکیل نطفه حضرت فاطمه با خوردن میوه بهشتی)

(نگارنده)

در برخی موارد با موارد خاص نمادین در رابطه با درخت روبرو می‌شویم که تصویر یا ایماژ درخت را در رابطه با مار، پرنده و چهارپایان و غیره بیان می‌کند. این ایماژ بنیادی است و خود را هم در زبان و هم در تصویر نشان می‌دهد. در این راستا به بررسی چنین ارتباطی با عناصری همچون مار، پرنده، اسب و شتر پرداخته می‌شود. در بسیاری از اسطوره‌ها ارتباط درخت و مار به خوبی دیده می‌شود. مار غالباً در پای درخت زندگی می‌خزد و یا به دورش پیچیده است؛ نگهبانان گنجی است که در میان ریشه‌های درخت زندگی، پنهان است (دوبوکور، 1387: 70).

از جمله در اسطوره اسکاندیناوی غول مارها ریشه‌های درخت یگدرازیل را می‌خایند و گوزن‌ها و بزها شاخه‌های آن را می‌خورند (دیویدسون، 1385: 194). مار در اسطوره سومری پایین درخت هولوپو [6] زندگی می‌کند (لیک، 1389: 148). در اسطوره یونانی افعی از سیب‌های زرین مراقبت می‌کند (وارنر، 1386: 566). در متون اسلامی اژدها به ساق درخت پیچیده و یا

در چاهی که درختی بالای آن قرار دارد، زندگی می‌کند. برای نمونه متن زیر از ابن بابویه چنین ارتباطی را نشان می‌دهد: «چون اندکی راه رفت از بخت بد به چاهی درافتاد که در آن اژدهایی عظیم بود و در آن چاه درختی روییده بود چون به آن درخت نظر افکند، دید بر آن درخت دوازده غول مأوا کرده‌اند و در زیر درخت دوازده شمشیر برهنه برآن نهاده‌اند. پس سعی بسیار کرد و به انواع حيله‌ها از آن درخت بالا رفت و خود را از شاخه‌ای به شاخه‌ای دیگر رسانید و به صد افسون از آن مهلکه خلاصی یافت و خود را به دهانه چاه رسانید و از آنجا به ساحل دریا آمد و دید کشتی آماده حرکت است. در آن نشست و به‌جانب وطن رهسپار گردید» (ابن‌بابویه، 1380: 520 تا 525). طبقه‌بندی موضوعی درخت و مار در جداول 8 و 9 آورده شده است. مرگ و تاریکی، درگیری اژدها و غلبه روشنایی بر تاریکی به‌عنوان مفاهیم مشترک بین هر دو متن مورد بررسی شناسایی گردید. این نوع نمادپردازی در تصاویر 5 و 6 دیده می‌شود.

جدول 8، طبقه بندی موضوعی درخت ≠ مار با توجه به داده‌های متون اسطوره‌ای کهن

درخت ≠ مار (اژدها)	نگهبانی	درگیری اژدها	غلبه روشنایی بر تاریکی
اسطوره اسکاندیناوی (درخت یگدرازیل)			✓
اسطوره سومری (درخت هولوپو)	✓	✓	✓
اسطوره سومری (اتانا)		✓	
اسطوره یونانی (سیب‌های زرین)	✓	✓	✓

(نگارنده)

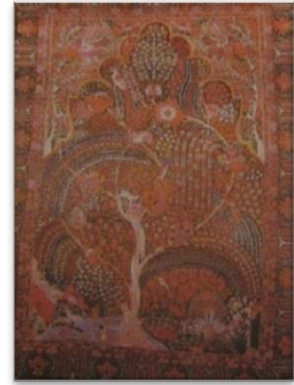
جدول 9، طبقه بندی موضوعی درخت ≠ مار با توجه به داده‌های متون اسلامی

درخت ≠ اژدها (مار)	مرگ و تاریکی	غلبه روشنایی بر تاریکی	درگیری اژدها	دوگانگی اعتقادی
قضاعی ، 1361 : 283	✓			
ابن بابویه، 1380 : 520	✓	✓		
مجلسی ، 1389 : 510		✓	✓	
مجلسی ، 1355 : 43				✓

(نگارنده)



عکس 6، ساتن، کتیبه. سده 10ه.ق.  
(پوپ و آکرمن، 1387، ج 11: 983)



عکس 5، قالی کرمان، موزه فرش ایران، نیمه قرن 14 ه.ق

(دادگر، 1380: 20)

پرنده معمولاً بر شاخسار و نوک درختان آشیان دارد. پرنده واسطی میان زمین و آسمان است و رحمت و شفای ایزدی را به همراه می‌آورد. پرنده به‌عنوان سخنگوی درخت، خبر از آینده می‌دهد چرا که پیام‌آور خدایان است. در متون اسلامی نیز همین ویژگی نشان داده می‌شود و از شهادت امام حسین (ع) و یا از ولایت حضرت علی (ع) خبر می‌دهد. گاه در متون اسلامی، پرنده به شکل فرشته ظاهر می‌شود و از درخت نگهبانی می‌کند. فرشته نیز رحمت و شفای ایزدی را به ارمغان می‌آورد. بنابراین می‌توان کهن‌الگوی درخت و پرنده را در هر دو متن شناسایی شده، پیگیری نمود.

نمونه‌ای از متن مجلسی چنین نمادپردازی را بیان می‌کند:

وقتی چشم آن پرندگان به جسد مقدس حسین افتاد صیحه زدند و صدا به گریه و واویلا بلند کردند. در میان خون مبارکش نشستند و پر و بال خود را بوسيله آن خون رنگین نمودند. سپس هر یک از آنها بطرفی رو نمود تا اهل آنجا را از شهادت حضرت حسین علیه السلام آگاه نماید. از قضا یکی از آن پرندگان متوجه مدینه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شد آن پرنده در حالی آمد که خون از پر و بالش می‌چکید. آن پرنده در اطراف قبر مقدس حضرت محمد گردش میکرد و این سخن را میگفت: الا قتل الحسين بکربلاء، الا ذبح الحسين بکربلاء. نقل شده: در آن روزی که آن مرغ وارد مدینه شد، دختر یک یهودی که کاملاً ناتوان بود وقتی هنگام سحر گریه و ناله آن مرغ را شنید خود را همچنان روی زمین می‌کشید تا آمد زیر آن درختی که آن پرنده بر فراز آن بود آن دختر همچنان با آن پرنده هم‌آه و ناله شد. در همان حالی که آن دختر ناله میکرد یک قطره از خون امام حسین که به پر و بال آن پرنده بود بچشمش چکید و چشمش شفا یافت! سپس قطره دیگری بچشم دیگرش چکید و آن نیز شفا گرفت: بعداً وقتی یک قطره بدستهایش چکید شفا یافتند! بعد از آن یک قطره به پاهایش چکید آنها نیز شفا گرفتند، سپس هر قطره خونی که بدن آن دختر می‌چکید آن را بدن خود میمالید تا اینکه کلیه بدنش از برکت خون مقدس امام حسین علیه السلام شفا یافت. (مجلسی، 1364، ج 45: 231 و 232).

پرنده به عنوان سخنگوی درخت و پیام‌آور خداوند، رحمت و شفای ایزدی به‌عنوان مفاهیم مشترک بین هر دو متن شناسایی گردید. در جداول 10 و 11 طبقه‌بندی این ارتباط آورده شده است. این نوع نمادپردازی در تصاویر 7 و 8 از دوره اسلامی قابل رؤیت است.

جدول 10، طبقه بندی موضوعی درخت- پرنده با توجه به داده‌های متون اسطوره‌ای کهن.

پرنده شغای ایزدی و زندگی بخش	پرنده رحمت ایزدی	پرنده پیام آور خدایان و واسط زمین و آسمان	درخت- پرنده
✓		(آوردن الواح سرنوشت بشر)	اسطوره چین (درنا)
		(رساندن پیام جاودانگی انسان از طریق پوست انداختن)	اسطوره افریقا (هولو- واکا)
✓	✓		اسطوره ایران باستان (سیمرغ)

(نگارنده)

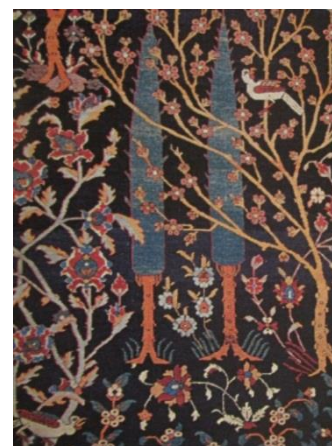
جدول 11، طبقه بندی موضوعی درخت- پرنده با توجه به داده‌های متون اسلامی.

پرنده شغای ایزدی	پرنده رحمت ایزدی	پرنده به عنوان روان سخنگوی درخت و پیام‌آور خداوند	نگهبانی	درخت - پرنده
	✓	(درود گفتن به امیرالمؤمنین (ع) )	✓	مجلسی، 1351 : 260
✓		(خبررسانی شهادت امام حسین (ع) )		مجلسی، 1364: ج 45 : 231
		(نصیحت کردن )		مجلسی، بی تا، ج 75 : 362
		(خواندن قمری خبر از ولایت حضرت علی (ع) می دهد)		ابن طاووس، 1374 : 78
	✓	(خلق صدایی در پرنده‌ای از جنس مس توسط خداوند)		قطب‌الدین راوندی، 1378: 707
			(فرشته )	مجلسی، 1372: 336
	✓	(آوازخواندن مرغان در عید غدیر)		مجلسی، 1372: ج 8: 528
			(فرشته )	مجلسی، 1351: ج 54 : 49
✓	(فرشته جبرئیل)			سلطانی فرامرزی، 1372: 104

(نگارنده)



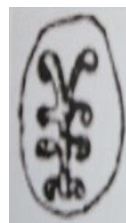
عکس 8، ابریشم اریب بافت، اصفهان، سده 11ه.ق. (همان، ج 11: 1052)



عکس 7، بخشی از قالی مشهور شوارتنزبرگ (همان، ج 15: 384)

ارتباط چهارپایانی نظیر اسب، شیر، بز کوهی و گاو در اسطوره‌های کهن دیده می‌شود. در متون اسلامی با توجه به فرهنگ عرب، شتر جایگزین سایر چهارپایان می‌شود. در این مقاله به ارتباط نماد پردازی درخت - اسب و درخت - شتر در متون اسلامی پرداخته می‌شود.

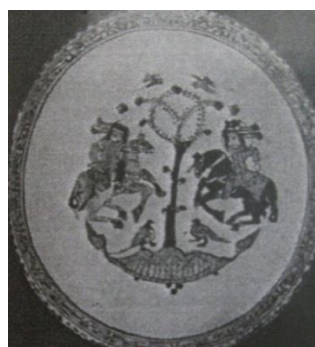
اسب یکی از نمادهایی است که در آثار هنری همواره به تنهایی یا همراه با سوارش در کنار درخت دیده می‌شود. اسب از روزگاران قدیم به خورشید پیشکش می‌شده است. اسب در هنر باستانی ایران در دوره هخامنشی همراه با سوار دیده می‌شود. در تمدن ماد، معمولاً برای اسب‌ها، جل‌های زربفت یا قالیچه که هر دو غالباً نقش دار بودند، می‌بافتند (دادور، 1385: 69). شاید فرش پازیریک به عنوان کهن‌ترین شاهد موجود فرش ایرانی، بر ارتباط اسب و گیاه دانست. در فرش پازیریک 14 سوار، 14 ستوربان، 24 گوزن و 24 نگاره‌ی هشت‌پر ظریف نقش‌پردازی شده است (ژوله، 1381: 7). نکته‌ی جالب توجه، نقش‌مایه‌ی گیاهی/درختی، روی پوشش (جل اسب) اسب‌های این قالیچه است (Opie, 1998: 31).  
 دِ آلوپلا<sup>10</sup> در کتاب کوچ سمبل‌ها، این نشانه‌ی گیاهی را به‌عنوان یکی از فرم‌های اولیه درخت زندگی معرفی می‌کند که در تصاویر 9 و 10 مشاهده می‌شود (D, Alviella, 1894: 119).



عکس 10، نشانه گیاهی، فرم اولیه درخت زندگی  
 (D, Alviella, 1894: 119)

عکس 9، قسمتی از فرش پازیریک، دوره‌ی هخامنشی  
 (Opie, 1998: 31)

ارتباط درخت و اسب در متنی از دیلمی آورده شده و رحمت ایزدی را بیان می‌کند. «در بهشت عدن درختی است که بیرون آید از آن درخت اسب‌های ابلق که زینت‌هایی از یاقوت و زبرجد دارند و دارای بال‌ها باشند نه سرگین اندازند و نه هم ادرار کنند دوستان خدا بر آن‌ها سوار شوند پس به‌سوی بهشت پرواز کنند به هر کجا که بخواهند سپس اهل بهشت آنان را صدا کنند که ای برادران ما شما انصاف نکردید» (دیلمی، 1377: 211).  
 عکس 11 درخت - اسب را در تصاویر دوران اسلامی نشان می‌دهد.



10 Goblet D Alviella



متن دیگری از مجلسی حاکی از نمادپردازی درخت - شتر در متون اسلامی است که بیانگر رحمت ایزدی می‌باشد. « به جزیره پردرخت پر میوه و پر پرند و پر از جوی آب رسیدیم و ناگاه به درختی تنومند و بی میوه و پر از گل برخوردیم. امام با عصایی که به دست داشت آن را جنبانید و شکاف برداشت و از آن ماده شتری به طول 80 ذراع و پهنای 40 ذراع بدر آمد و کره‌ای در دنبالش بود، به من فرمود نزدیکش برو و از شیرش بنوش، نزدیک شدم و نوشیدم تا سیر شدم از غسل خوشمزه‌تر و از کره نرم‌تر بود سپس ماده شتری با 120 ذراع درازا و 60 ذراع پهنای یاقوت احمر بدر آمد و مهاری از یاقوت زر داشت و پهلوی راستش از طلا بود و پهلوی چپش از نقره. فرمود: ای سلمان از شیرش بنوش، گفتم: آقایم این از کیست؟ فرمود: از تو و همه شیعیان دیگر از دوستانم» (مجلسی، 1351، ج 54: 261). درخت - شتر در عکس 12 بیانگر ادامه چنین نمادپردازی در آثار هنری ایران دوره اسلامی است.

### نتیجه‌گیری

ژانر ژنت حضور عنصر یا عناصری مشترک میان دو یا چندین متن را، سبب برقراری رابطه‌ی بینامتنیت می‌داند. بر این اساس در پژوهش انجام گرفته، درخت زندگی به‌عنوان عنصری مشترک در بین متون اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی مورد شناسایی قرار گرفت. با توجه به بینامتنیت ضمنی وجود نشانه‌هایی در متن ب(متون اسلامی)، سبب تشخیص بینامتن در متن الف (متون اسطوره‌ای کهن) گردید و به‌دنبال آن شناسایی مرجع این نشانه‌ها صورت پذیرفت. لازم به ذکر است نشانه‌های موجود از اسطوره‌های کهن به صورت صریح در متون اسلامی وجود ندارد بلکه در بیانی نمادین و اسطوره‌ای در متون ظاهر می‌گردند. برای شناسایی کهن الگو باید به سراغ روایت‌های نمادین (اسطوره‌ها) رفت. اسطوره‌ها بیانگر دگرگونی‌های فرهنگی و زمانی - مکانی‌اند. تنها راه حیات کهن‌الگوها، نمادها و بیان‌های نمادین است. در این تحقیق، کهن‌الگوی درخت که جنبه‌ای جهانی، انسانی و تصویری دارد، شناسایی شده است. وابستگی نمادها به عناصر فرهنگی و اجتماعی سبب می‌شود به صورت‌های گوناگون تکرار شوند و روایت‌های اسطوره‌ای مختلفی پیرامون آن به‌وجود آید. برای مثال درخت هولوپو در فرهنگ سومری، درخت سرو در فرهنگ ایرانی و درخت طوبی در اسلام، هر کدام یک نماد تلقی می‌شوند زیرا در هر فرهنگی دلالت‌های ضمنی خاص خود را دارند و چنین دلالت‌پردازی را در دیگر فرهنگ‌ها ندارند. هنگامی که نماد دارای روایت شد، به اسطوره تبدیل می‌شود. زیرا یک داستان یا یک شخصیت اسطوره‌ای در آن حضور دارد. برای مثال کاشت درخت سرو کاشمر توسط زرتشت و کاشتن درخت طوبی توسط ذات الهی بیانگر این نوع بیان نمادین است. در این پژوهش، شباهت توصیفات ظاهری و مضامین مشترک میان دو متن کهن اسطوره‌ای و اسلامی شناسایی و طبقه‌بندی گردید.

نتایج حاصله بدین ترتیب است که درخت زندگی در هر دو متن مورد بررسی قرار داده شده؛ در مرکز عالم یا بهشت قرار دارد و توسط ذات الهی، پیامبر یا شاه کاشته می‌شود. دارای سایه‌ای بزرگ، میوه و یا چشمه‌ی جاودانگی و نگهبانان محافظ هستند. در هر دو متن به موضوعاتی همچون سودرسانی، شفا، جاودانگی، گواهی، باروری و نعمت‌بخشی اشاره دارند. ارتباط اینگونه توصیفات با نمونه‌های آثار هنری نگاره‌های معراج‌نامه‌ی پیامبر صورت گرفت و ملاحظه گردید که نگارگر نیز در آثارش، درخت را با چنین ویژگی‌هایی بیان می‌دارد. همچنین طبقه‌بندی دیگری از اسطوره‌های کهن که به نوعی اشاره به منشأ گیاهی انسان دارند، صورت گرفت و رد پای آن در روایت‌های متون اسلامی مربوط به شجره طیبه دنبال گردید. در این نوع طبقه‌بندی، اسطوره‌های کهن مربوط به آفرینش انسان از درخت یا نوعی گیاه قرار داده شد. این اسطوره‌ها نسل بشر را گیاهی می‌پندارند. در مواردی نیز با خوردن میوه‌ای از درخت، فرزندی به دنیا می‌آید. همین موضوع در متون اسلامی نیز قابل شناسایی است؛ آنجا که پیامبر نسل اهل بیت را به درختی مانند می‌کند و یا به دنیا آمدن دخترش، حضرت فاطمه (ص) را پس از خوردن میوه‌ای از درختی بهشتی در معراج توصیف می‌کند. طبقه‌بندی عناصر دیگر مرتبط با درخت نظیر حیواناتی مانند مار، چهارپایان و پرندگان در متون الف و ب، از جمله موارد دیگری است که در این پژوهش به آن پرداخته شد.

در هر دو متن مورد بررسی، ارتباط درخت و مار(اژدها) که غالباً به تنه یا ریشه‌های درخت پیچیده شناسایی گردید. مار غالباً بیانگر مرگ و تاریکی است. درگیری مار با موجودی دیگر بیانگر غلبه روشنایی بر تاریکی است. در برخی موارد دیده شد که دو مار سیاه و سفید درگیر می‌شوند که بیانگر درگیری اعداد است. این موضوع در برخی از آثار فرش، نسخه‌ها، پارچه‌ها و ظروف

دوره‌های مختلف اسلامی نیز قابل مشاهده بود که نمونه‌هایی از آن‌ها معرفی گردید. از دیگر عناصر مرتبط با درخت می‌توان به پرنده اشاره کرد. پرنده معمولاً بر شاخسار درخت می‌نشیند و به‌عنوان روح سخنگوی درخت، پیام‌آور خدایان است و واسطی میان آسمان و زمین محسوب می‌گردد. نماینده‌ای برای شفای ایزدی، رحمت و درمان‌گری است.

همچنین ارتباط چهارپایانی مانند اسب و شتر که معمولاً در دوسوی نقش گیاهی همراه با سوار یا بدون آن قرار دارد، شناسایی گردید. در اسطوره‌های کهن شاهد رابطه‌ی شتر و درخت نیستیم ولی وجود حیوانات دیگری نظیر گاو، گوزن، شیر به طور مکرر دیده می‌شود. بر اساس محورهای جانشینی، می‌توان شتر را با توجه به منطقه جغرافیایی عربستان جایگزین دیگر حیوانات قرار داد. بازتاب اینگونه توصیفات در آثار هنری ایران دوره اسلامی نیز قابل رویت است و می‌توان نمونه‌هایی از این‌گونه ارتباط را در پارچه‌ها، فرش‌ها و نسخه‌ها مشاهده کرد. همچنان‌که در این طبقه بندی دیده شد، درخت در مفهوم گسترده خود یک کهن‌الگوی جهانی است که تصویری است و هنوز فرهنگی نشده است. بنابراین کهن‌الگوی درخت هم در روایت‌های نمادین کهن و هم در روایت‌های نمادین متون اسلامی قابل شناسایی بودند. بررسی نمادها و اسطوره‌ها بر اساس نظریه‌ی ژیلبردوران، امکان رسیدن به کهن‌الگوی جهانی درخت را برای ما فراهم نمود.

### پی نوشت:

- [1]- کهن‌الگوها تصاویری ذهنی تلقی می‌شوند که صوری جاودان و پایدار در ذهن انسان‌ها هستند. کهن‌الگوها گستره انسانی و جهانی دارند و با شرایط فرهنگی تغییر نمی‌کنند (نامور مطلق، 1392: 28).
- [2]- نماد کهن‌الگوی فرهنگی شده است. نمادها گستره‌شان به یک فرهنگ خاص و در برخی موارد یک قوم یا زمان خاص محدود می‌شود و دارای معنای دو یا چندگانه و معمولاً با یک فرهنگ مشخص است (عباسی، 1390: 70).
- [3]- اسطوره دارای معانی گوناگون است. این امر موجب دشواری در تعریف و تحقیق در این حوزه شده است. از طرفی این مشکل در حوزه مطالعاتی ایرانی- اسلامی بیشتر می‌شود به جهت اینکه این واژه در قرآن کریم نیز آمده است و بر چندمعنایی آن افزوده است. در قرآن واژه اسطوره به شکل جمع آن یعنی «اساطیر» در سوره انعام آیه 25، به کار گرفته شده و آن هنگامی است که کافران به همانندی میان قصص قرآن و داستان‌های افسانه‌ای پرداختند. در این سوره چنین آمده است: «کافران می‌گویند که این‌ها چیزی جز اساطیر پیشینیان نیست». در حقیقت اساطیری بودن قصه‌های قرآن اتهامی بوده که کافران به قرآن و قصه‌های آن می‌زدند.

مسئله‌ای که در اینجا مدنظر است آن است که اسطوره واژه‌ای است که معادل میت (mythe) لاتین استفاده می‌شود. میت خود از واژه‌ی کهن یونانی میتوس (mythos) به معنای روایت، گاهی نیز افسانه، به کار برده شده است. در تعریفی علمی، اسطوره یک نوع نگاه نمادین، فرازبانی و دارای حوزه‌ی گسترده‌ای است که به تفکر ارتباط دارد؛ بنابراین باید واژه اسطوره نزد اسطوره‌شناسان را از واژه اساطیر نزد علما متمایز کرد.

در این پژوهش به تعریف اسطوره از دیدگاه ژیلبر دوران می‌پردازیم:

دوران نظامی پویا که شامل: بازتاب، قوه، کهن‌الگو، نماد و اسطوره است را معرفی می‌کند. نظام پویایی که با فشار یک قوه می‌کوشد تا خود را در روایت طرح کند. هنگامی که نماد دارای روایت شد به اسطوره تبدیل می‌شود. در واقع اسطوره الگوهای تکرارشونده روایت‌دار در یک فرهنگ یا به عبارتی دیگر روایت نمادین است (نامور مطلق، 1392: 31 تا 33).

[4] - متن یک واحد کم‌وبیش مستقل محسوب می‌شود که مجموعه‌ای از نشانه‌های معنادار را در بر می‌گیرد و بیش از هر چیز خود را از متن‌های دیگر متمایز می‌کند (نامور مطلق، 1392: 510 و 511). متن به کلیه آثاری اطلاق می‌شود که می‌توان به عنوان میراث تمدن و فرهنگی از آن‌ها یاد کرد. بنابراین متن کلیه آثار نوشتاری، تجسمی، نمایشی، موسیقایی، سینمایی، معماری و شهرسازی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، هر آن چیزی که با آن فرهنگ و تمدن یک جامعه شناخته می‌شود، عنصری از جهان متنی یا جهان نشانه‌ای تلقی می‌گردد (همان: 520). متن‌ها می‌توانند عناصر خود را به یکدیگر قرض بدهند. به بیان دقیق‌تر، یک متن تازه گاهی با وام‌گیری از عنصر یا عناصر متن‌های دیگر شکل می‌گیرد، یک متن به شکل‌های گوناگون با متن‌های دیگر مرتبط می‌شود و عناصری را از آن‌ها اقتباس می‌کند (نامور مطلق، 1392: 525).

[5] - عبارت است از مطالعاتی که می‌تواند شامل مباحثی همچون قرآن، حدیث، اجماع راویان مکتب امامی و فروعات همچون تاریخ تفسیر و منابع دست اول اسلامی باشد.

[6] - hulup

## منابع و مأخذ

- قرآن مجید.

- آقا جمال خوانساری، محمد. (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۱). پاداش نیکیها و کیفر گناهان. مترجم: محمد علی مجاهدی. قم: سرور.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۰). کمال الدین. ترجمه منصور پهلوان. قم: دارالحدیث.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۰). علل الشرائع. ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی. قم: مؤمنین.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (بی‌تا). عیون أخبار الرضا علیه السلام. ترجمه محمد تقی آقا نجفی اصفهانی. تهران: علمیه اسلامی.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۴۸). آهی سوزان بر مزار شهیدان. ترجمه احمد فهری زنجانی. تهران: جهان.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۴). الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف. ترجمه داود إلهامی. قم: نوید اسلام.
- الیاده، میرچا. (1385). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
- الیاده، میرچا. (1387). شمنیسم: فنون کهن خلسه. مترجم محمد کاظم مهاجری. قم: ادیان.

- بحرانی، سید هاشم، (1391). ترجمه و تفسیر شریف البرهان فی تفسیر القرآن. ترجمه حجه الاسلام حاج شیخ عبدالله صالحی نجف آبادی قم: ذوی القربی.
- بیرلین، ج. ف. (1386). اسطوره های موازی. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- پوپ، آرتور ابهام و آکرم، فیلیپس. (1387). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. سیروس پرهام و گروه مترجمان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- پوپ، آرتور ابهام و آکرم، فیلیپس. (1387). شاهکارهای هنر ایران. ترجمه پرویز نائل خانلری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله. (1380). داستان پیامبران یا قصه‌های قرآن از آدم تا خاتم. ترجمه یوسف عزیزی. تهران: هاد.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله. (1381). قصص الأنبياء ( قصص قرآن - ترجمه قصص الأنبياء جزائری). ترجمه فاطمه مشایخ. تهران: فرحان.
- حسکانی، عبید الله بن عبد الله. (1380). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. ترجمه احمد روحانی. قم: دارالهدی.
- حسکانی، عبیدالله بن عبد الله. (۱۳۸۱). سیمای امام علی علیه السلام در قرآن. ترجمه یعقوب جعفری. قم: اسوه.
- دادگر، لیلان. (1380). فرش های درختی: موزه فرش ایران. ترجمه زهرا راحت. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام. (1385). در آمدی بر اسطوره‌ها و نمادها در ایران. تهران: نشر کلهر و دانشگاه الزهرا.
- دویوکور، مونیك. (1387). رمزهای زنده جان. ترجمه جلال ستاری. تهران: نشر مرکز.
- دیلمی، حسن بن محمد. (1377). إرشاد القلوب. ترجمه سید عبد الحسين رضایی. تهران: اسلامیه.
- رابی، جولیان. (1386). کارهای لاک، مجموعه هنر اسلامی. ج 8 از مجموعه 12 جلدی، گردآورنده ناصر خلیلی، ترجمه سودابه رفیعی سخایی. تهران: نشر کارنگ.
- رزسگای، ماری. (1385). معراج‌نامه سفر معجزه‌آسای پیامبر. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مطالعات هنر اسلامی.
- رستمی، علیرضا. (1389). خاستگاه نماد نقاشی گل و مرغ در نقاشی‌های دوران صفوی و قاجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر ادیان و تمدن‌ها دانشگاه هنر اصفهان.
- شایگان، داریوش. (1386). ادیان و مکتب های فلسفی هند. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شیرد، راونا. (1393). 1000 نماد در هنر و اسطوره شکل به چه معناست؟. ترجمه بیداریخت، آزاده و لواسانی، نسترن. تهران: نشر نی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (1379). ترجمه و شرح نهج البلاغه. ترجمه علی نقی فیض الإسلام اصفهانی. تهران: تألیفات فیض الإسلام.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (1388). نهج البلاغه. ترجمه حسین انصاریان. قم: دارالعرفان.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (1380). آرام بخش دل داغدیدگان. ترجمه حسین جناتی. قم: روح.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. (1380). الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیه. ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی. تهران: دهقان.
- طبرسی، احمد بن علی. (1371). الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) / ترجمه و شرح احمد غفاری مازندرانی. تهران: مرتضوی.
- طبرسی، حسن بن فضل. (1365). مکارم الأخلاق. ترجمه ابراهیم میرباقری. تهران: فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (1390). زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام. ترجمه عزیزالله عطاردی. تهران: اسلامیه.
- عباسی، علی. (1390). ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران (کارکرد و روش شناسی تخیل). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (1379). نهج الحق و كشف الصدق. ترجمه علی رضا کهنسال. تهران: تاسوعا.
- عین القضاة همدانی، عبدالله بن محمد (1386). تمهیدات. تصحیح عقیف عسیران. تهران: منوچهری.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (1366). روضه الواعظین. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نی.
- فرنو، بهروز (1384). منشأ فرهنگ، تمدن و هنر در بین النهرین کهن. تهران: سوره مهر (وابسته به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی).
- قضاعی، محمد بن سلامه (1361). شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص). محقق و مصحح: جلال الدین حسینی آرموی. تهران: علمی و فرهنگی.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (1378). جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام. ترجمه غلام حسن محرمی، قم: اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). أصول الکافی. ترجمه سید جواد مصطفوی. تهران: علمیه اسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۱). الروضة من الکافی یا گلستان آل محمد. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. تهران: اسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۴). الروضة من الکافی. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: علمیه اسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). أصول الکافی. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. قم: اسوه.
- گری، جان (1378). اساطیر خاور نزدیک (بین النهرین). ترجمه باجلان فرخی. تهران: نشر.
- گریمال، پیر (1381). اسطوره‌های بابل و ایران باستان. ترجمه ایرج علی آبادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گلستانه، سید علاء الدین محمد (1387). منهج الیقین (شرح نامه امام صادق علیه السلام به شیعیان). محقق و مصحح مجتبی صفقی، و علی صدراپی خویی. قم: دارالحدیث.
- لوسیا برن، جین ف. گاردنر، ر. ی. پیچ، جرج هارت، میراندا جین گرین. (با مقدمه مارینا وارنر). (1383). جهان اسطوره‌ها. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- لیک، گوندولین. فرهنگ اساطیر شرق باستان. ترجمه قیه بهزادی. تهران: طهوری.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (1355). زندگانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام (ترجمه جلد 48 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروی. تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (1362). زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام (ترجمه جلد 44 بحار الأنوار). ترجمه محمد جواد نجفی. تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (1364). زندگانی حضرت جواد و عسکریین علیهم السلام (ترجمه جلد 50 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروی. تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (1364). زندگانی حضرت امام حسین علیه السلام (ترجمه جلد 45 بحار الأنوار). ترجمه محمد جواد نجفی. تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (1351). آسمان و جهان (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الأنوار جلد 54). ترجمه محمد باقر کمره‌ای. تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (1355). شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام (ترجمه جلد 65 بحار الأنوار). ترجمه علی تهرانی. تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (1363). بخش امامت (ترجمه جلد 23 تا 27 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروی. تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (1364). بحار الأنوار (ترجمه جلد 67 و 68). ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی. تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (1379). محتاجات (ترجمه جلد 9 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروی. تهران: اسلامیة.

- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی.(1379). زندگانی حضرت زهرا علیها السلام ( ترجمه جلد 43 بحار الأنوار). ترجمه محمد روحانی. تهران: مهام.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی.(1380). زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ( ترجمه جلد 49 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروی. تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی.(بی تا). مواظ امامان علیهم السلام( ترجمه جلد 75 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروی. تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی.(1355). زندگانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام ( ترجمه جلد 48 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروی . تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی.(1372). لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی(1389). مهدی موعود(ترجمه جلد 13 بحار الانوار)، ترجمه علی دوانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مستغفری، جعفر بن محمد.(1381). روش تندرستی در اسلام.ترجمه یعقوب مراغی و محمد خلیلی. قم: مؤمنین.
- مسعودی، علی بن حسین.(۱۳۶۲). ترجمه إثبات الوصیه. ترجمه محمد جواد نجفی. تهران: اسلامیة.
- نامور مطلق ، بهمن.(1390). در آمدی بر بی‌تا متنیت(نظریه هاد کاربردها). تهران : سخن.
- نامور مطلق، بهمن. (1388). از تحلیل بنیامتنی تا تحلیل بنیا گفتمانی. پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره 12.
- نامور مطلق، بهمن.(1392). در آمدی بر اسطوره شناسی(نظریه ها و کاربردها). تهران: سخن.
- نامورمطلق، بهمن. (1386). ترامتیت مطالعه ی روابط یک متن با دیگر متن ها. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره 56.
- وارنر، رکس. (1387). دانشنامه اساطیر جهان. ترجمه ابوالقاسم اسماعیلی پور. تهران : اسطوره.
- یا حقی، محمد جعفر. (1388). فرهنگ اساطیر و داستان واره ها در ادبیات فارسی. تهران: سروش.
- Opie, James, (1998), *tribe rugs acomplete gide to nomadic and village carpets* Bulfincher.
- D' Alviella, count Eugene Golbet, (1894), *Senator and member of the Royak Academy of Belgium*, published by A.constable and cofe. Westmindter, landon.
- Febervari, Geza, (2000), *ceramics of the Islsmic world*, I.B Tauris, London.
- James, E,O, (1966), *Tree of life, studies in the history of religions*, E.j.Brill. Leiden.
- Parpola, Simo (1993), *The Assyrian Tree of Life*, The University of Chicago Press.

## **SYMBOLIZATION OF THE TREE OF LIFE IN ISLAMIC CONTEXTS FROM AN INTERTEXTUAL APPROACH**

### **Abstract**

The Tree of Life in Islamic contexts is dealt with in this article, with regards to Gérard Genette intertextual approach. We intend in this research to analyze and classify relations, osculation and applications of life tree in ancient mythical resources and Islamic contexts. Furthermore, relations of

the osculation and common characteristics with Iranian art works with the inter-symbolic approach is the other aim of this study.

In this regard, and according to the definitions of archetype, symbol and myth by Gilbert Durand, it is tried to introduce the repetition of the archetype of the tree in the global culture. Identifying this archetype is possible via symbols and symbolic narratives (myths). The archetype of the tree is symbolized in connection with different cultures, including the Islamic culture that could be identified in the form of symbolic narratives in Islamic texts. These narrative symbols in Islamic texts are also similar with mythical resources in other cultures. Our aim is to discover the similarities in order to obtain the restoration of this archetype in the world. Thus, it is attempted to respond to the questions regarding what the symbolic narratives of the tree of life are in the mythical resources, whether the symbolic narratives of the life tree in different cultures are in conformity with symbolic narratives in Islamic resources. The other question is how the symbolization of written texts could be compared with the inter-symbolic approach in Iranian artwork.

This study tries to show that the obtained data from the indicated matters in symbolic narratives related to the tree of life in Islamic resources and mythical resources of ancient cultures have inter-religious similarities, which could be understood by the concept of archetype. In such a domain, the application of Gérard Genette and Gilbert Durand's approach in expressing and explaining the concept of the tree archetype is concluded, by which the interpretation of vocal and visual symbolization can be made possible.

Key words: Archetype, Tree of life, Context, Intertextual Approach

### **Symbolism of The Tree of Life in Islamic texts: an Intertextual Approach<sup>11</sup>**

---

<sup>11</sup> From the master's thesis under the guidance of the Dr Bahar Mokhtarian.

By:  
Elham Rohani Isfahani<sup>12</sup>

Dr. Bahar Mokhtarian<sup>13</sup>

Address: No18, Mehregan Alley, East Hasht Behesht St, Bozorgmehr Ave, Isfahan.

Tell: +983132678133

+989130967571

---

<sup>12</sup> Master of Islamic Art from Isfahan Art university. Elham.rohani69@yahoo.com

<sup>13</sup> Science Committee of Isfahan Art university. Bmokhtarian@yahoo.com